



از دانش‌آموز لیسانسه تا دانشجوی مطالبه‌گر



دکترمریم یوسفی از اساتید دانشگاهی است که چنین عقیده‌ای دارد: دانشجو باید به معنای واقعی جوینده دانش باشد اما مشاهده می‌کنیم که در بسیاری موارد مانند دانش‌آموز منتظر آموزش هستند.

به گفته این جامعه‌شناس، دانشجو نباید طوری تحصیل کند که گویی در حال ادامه دادن مقطع دبیرستان است: احساس می‌شود دانش‌آموز بعد از گرفتن دیپلم به‌طور خودکار وارد دانشگاه شده و همان‌طور که در مدرسه تحصیل کرده، همان روش را در دانشگاه ادامه می‌دهد. این استاد دانشگاه چنین روشی را مفید نمی‌داند چون: اگر دانشجو، جوینده دانش نباشد و فقط به مدرک‌گرایی فکر کند، ذوق و انگیزه‌ای هم برای اساتید باقی نمی‌ماند تا سطح علمی آنان را افزایش دهند. این جامعه‌شناس در میان حرف‌هایش به دهه هشتادی‌ها اشاره دارد که این نسل تا در مورد موضوعی قانع نشوند آن را نمی‌پذیرند: برای اقناع دانشجو باید به آنها فرصت انتقاد و بحث و گفت‌وگو داده شود. برای رسیدن به این هدف اول باید مسئولان برای ابراز نظر دانشجو آزادی بیشتری فراهم کنند و همچنین فضای فیزیکی این‌گونه مباحثه‌ها ایجاد شود.

صحبت‌های این استاد دانشگاه را می‌توان در این جمله خلاصه کرد که اگر آزادی بیان و امکانات این‌چنینی به دانشجو داده نشود، دانشگاه نقش خود را از دست خواهد داد و به نوعی ادامه‌دهنده مدرسه هستند و فارغ‌التحصیل‌های ما دانش‌آموزهای لیسانسه خواهند بود!

دوران مدرسه به ما می‌گفتند دانشجو بودن شغل است. درک شغل بدون درآمد برایمان عجیب و حتی باورنکردنی بود ولی به محض ورود به دانشگاه نه‌تنها باورش آسان شد که با گذشت هر سال به اهمیت این حرف بیشتر پی بردیم. آرام آرام متوجه شدیم دانشجویی درآمد هم دارد اما درآمدش آتی نیست. انگار قلکی پیش رویمان است که هر چه می‌آموزیم، هر چه به وسعت ارتباط‌های اجتماعی‌مان می‌افزاییم و هر چه می‌خوانیم و تلاش می‌کنیم به موجودی آن اضافه می‌شود؛ قلکی که هر روز بر موجودی آن اضافه می‌شود ولی فعلاً امکان استفاده از آن وجود ندارد.

متخصصی که تنها با چند دقیقه کار، دستگاهی را عیب‌یابی می‌کند و درآمد قابل‌توجهی به دست می‌آورد، دستمزد آن چند دقیقه را نگرفته بلکه از موجودی قلکی برداشت می‌کند که در دوران دانشجویی اندوخته است. کارشناسی که با نوشتن یک گزارش، حقوقدانی که با نگارش یک لایحه یا پزشکی که با صرف وقتی کوتاه در تشخیص یک بیماری، درآمد کسب می‌کند، از آنچه در دوران دانشجویی اندوخته‌اند بهره می‌برند.

دانش‌آموزی که مدرسه را به دانشگاه می‌رساند، در فضایی قرار می‌گیرد که مجال انتقاد، مطالبه‌گری و آزاداندیشی را یافته است تا بتواند ضمن افزودن بر موجودی قلک مهارت‌های خود، ورزشیده کند. البته برخی اساتید دانشگاه از این وضعیت راضی نیستند و اعتقاد دارند به دانشجو باید فرصت بیشتری برای بیان انتقادات داده شود.



احساس می‌کنم اعصابم آرام‌تر شده. این دریاچه و درختان سرسبز که هر کدام از آنها برای منطقه‌ای از ایران است نشان می‌دهد کشورمان چه طبیعت بکر و زیبایی دارد که شاید خیلی از ما از آن خبر نداشته باشیم

است که تا امروز آمده‌ام. باغ سرسبز و بزرگ با این همه گل و گیاه و درخت واقعاً چشم‌نواز است. باور نمی‌کردم در تهران چنین باغی هم وجود دارد و این چیزها را بیشتر در فیلم‌ها دیده بودم.

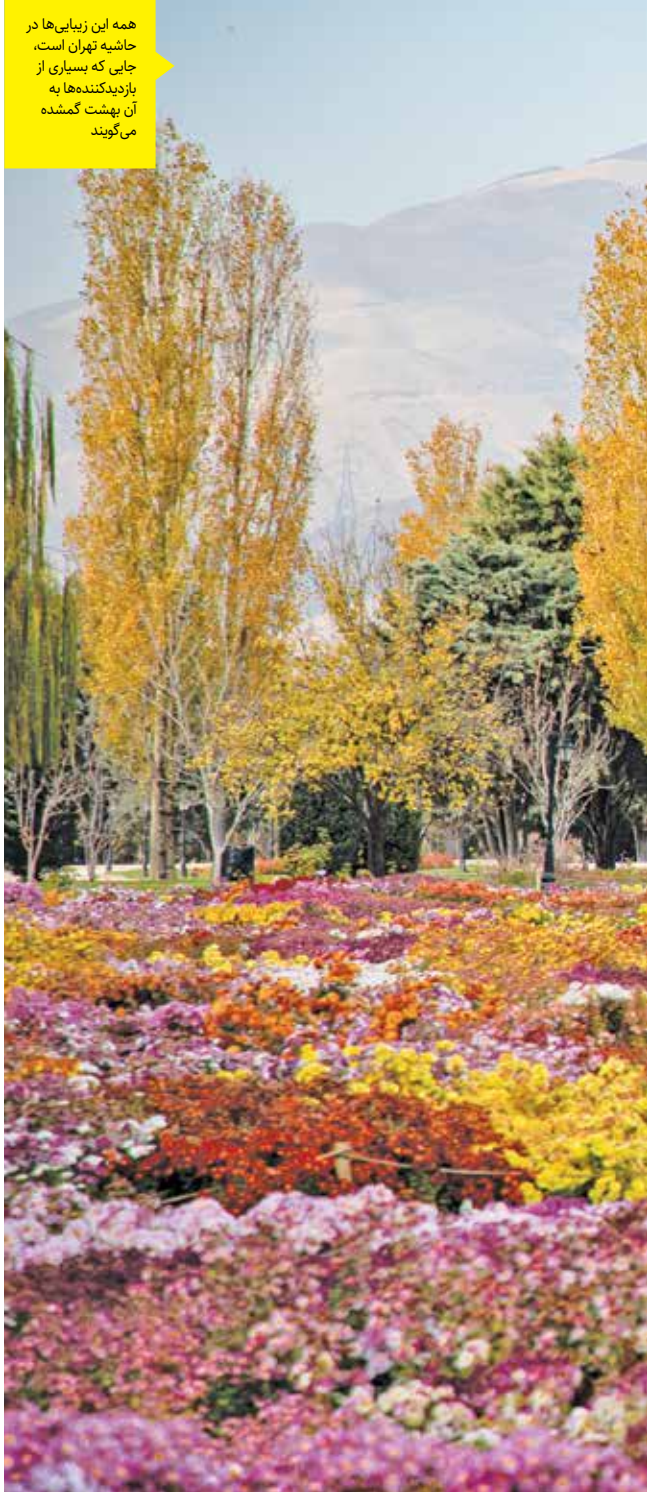
فضای سبزی که خیلی از هم سن و سال‌های من می‌بینند همان چند گل و درختی است که در فضای بیرون آپارتمان و کوچه و پارک‌هاست. پدر و مادرم وقتی از کودکی‌شان برای ما تعریف می‌کنند از باغ و درختان کهنسالی که در همین تهران بوده می‌گویند ولی امروز از آن همه باغ و درخت چیزی نمانده است. اینجا ۴ هزار گونه از گیاهان مختلف ایران و جهان نگهداری می‌شود که واقعاً شگفت‌انگیز است. چمنزارهای امریکا، روبیشه‌گاه چین و ژاپن و روبیشه‌گاه اروپا از دیدنی‌های این باغ هستند. اینجا گیاهانی که در این مناطق رشد می‌کنند کاشته شده و کنار هر کدام نام گیاه و عمر آن و کشورهایی که محل رویش آنهاست نوشته شده است. من و دوستم می‌خواهیم درباره گیاهان تحقیق کنیم و به نظرم اینجا منبع خوبی برای تحقیقات است.»

آفتاب به وسط آسمان می‌رسد و بازدیدکننده‌ها به شوق دیدن جشنواره گل‌های داوودی از کنار دریای خزر به دشتی می‌رسند که گل‌های داوودی در ۱۰۰ رنگ کنار هم می‌درخشند. زن با دوستانش ژست می‌گیرند تا پسر خردسالش از آنها کنار گل‌های داوودی عکس بگیرد. چند لحظه بعد پسرک برای گرفتن پروانه وارد باغچه گل‌ها می‌شود. مادر بلافاصله او را بیرون می‌کشد و با نشان دادن تابلوی کنار باغچه می‌گوید نباید داخل باغچه برویم: «چند هفته قبل یکی از دوستانم اینجا آمده بود و آنقدر از فضای این باغ برای ما تعریف کرد که تصمیم گرفتیم با دوستانمان بباییم. به نظرم اینجا علاوه بر تفریح می‌تواند برای بچه‌ها کلاس درس هم باشد. دوست داشتم طبیعت ایران را به پسرمان نشان بدهم و اینجا کلکسیونی از گیاهانی است که در طبیعت ایران وجود دارند. با هر قدمی که برمی‌داریم بیشتر متوجه می‌شویم ایران ما چقدر زیبا است و طبیعت آن در دنیا چقدر بی‌نظیر است.»

که شاید خیلی از ما از آن خبر نداشته باشیم. مثلاً من نمی‌دانستم در منطقه زاگرس بیش از ۵۰۰ نوع گیاه رشد می‌کند یا در جنگل‌های هیرکانی ۳ هزار گونه گیاهی هست که قدمت‌شان به چند هزار سال می‌رسد. احساس می‌کنم آرامش گم شده‌ام را اینجا پیدا کرده‌ام.» از کنار باغ زنبق به باغ لاله‌ها می‌رسیم و تابلوی راهنما ما را به گلخانه گیاهان جنوب ایران هدایت می‌کند. جایی که گیاهان خاص آب و هوای جنوب در یک فضای بزرگ کنار هم قرار گرفته‌اند. بوی دریای جنوب و شرجی هوا را می‌توانی همان ورودی گلخانه حس کنی. مردی با گوشی موبایل از محوطه گلخانه و آبشار باغ صخره‌ای فیلم می‌گیرد و همسرش کنارش ایستاده و با صدای بلند از باغ گیاهشناسی و گل‌ها و طبیعت آن تعریف می‌کند. انگار قرار است فیلم مستند تهیه کنند. هر دو معلم بازنشسته هستند.

محمد جواد می‌گوید: «این فیلم را برای نوه‌هایم که آلمان زندگی می‌کنند می‌گیرم. آنها هیچ وقت تهران را ندیده‌اند. می‌خواهم به آنها بگویم طبیعت سرسبز و زیبا فقط در آلمان نیست و ما هم اینجا طبیعت زیبایی داریم. قبلاً هم اینجا آمده‌ایم. از دیدن این همه گل زیبا و رنگارنگ سیر نمی‌شویم. اینجا همان بهشت گمشده‌ای است که شاید خیلی از مردم تهران از آن اطلاعی ندارند. در این باغ فقط صدای باد و پرنده‌ها شنیده می‌شود و می‌توانی ساعت‌ها کنار برکه و دریاچه بنشینی و لذت ببری. ای کاش شرایطی فراهم می‌شد چند باغ مثل همین در حاشیه تهران احداث می‌شد تا ساکنان تهران برای فرار از تنش و سر و صدا و آلودگی به آن پناه بیاورند.»

دانش‌آموزان دبیرستانی با خنده و شوخی مشغول عکس گرفتن می‌شوند. یکی از آنها تابلوی کنار یک نهال را نشان می‌دهد و با خنده می‌گوید: «بچه‌ها هرکی بتواند اسم این گیاه را سه بار تکرار کند جایزه دارد.» بچه‌ها یکی یکی مشغول خواندن اسم می‌شوند اما با هر اشتباه همه می‌خندند. سعید کلاس نهم است و با همکلاسی‌ها و معلم‌شان برای بازدید آمده‌اند: «این بهترین اردویی



همه این زیبایی‌ها در حاشیه تهران است، جایی که بسیاری از بازدیدکننده‌ها به آن بهشت گمشده می‌گویند

داوودی برپا است. با یک تیر از آن بازدید کنند.» مریم با آرامش درحال قدم زدن و تماشای دریاچه است. هرچند دقیقه یک بار نفس عمیقی می‌کشد و با تلفن همراه از منظره دریاچه و درختان کنار آن عکس می‌گیرد. او اولین باری است که به باغ موزه گیاهشناسی می‌آید. می‌گوید اینجا خاطرات کودکی را برایش زنده کرده است: «وقتی پیامک بازدید از باغ برای من آمد باور نمی‌کردم در حاشیه شهر شلوغ و آلوده چنین جایی هم وجود داشته باشد. تصمیم گرفتم از نزدیک اینجا را ببینم. عاشق گل و گیاه هستم و اینجا هم که جشنواره گل‌های

فصول سال مردم می‌توانند از آن بازدید کنند.» مریم با آرامش درحال قدم زدن و تماشای دریاچه است. هرچند دقیقه یک بار نفس عمیقی می‌کشد و با تلفن همراه از منظره دریاچه و درختان کنار آن عکس می‌گیرد. او اولین باری است که به باغ موزه گیاهشناسی می‌آید. می‌گوید اینجا خاطرات کودکی را برایش زنده کرده است: «وقتی پیامک بازدید از باغ برای من آمد باور نمی‌کردم در حاشیه شهر شلوغ و آلوده چنین جایی هم وجود داشته باشد. تصمیم گرفتم از نزدیک اینجا را ببینم. عاشق گل و گیاه هستم و اینجا هم که جشنواره گل‌های

پلنگ فراری هنوز به دام نیفتاده

مدت زیادی از روزی که پلنگی در پارک سرخه‌حصار دیده شده نمی‌گذرد و سازمان محیط‌زیست همچنان در تلاش است تا این حیوان را به دام ببندارد. سرپرست دفتر حفاظت و مدیریت حیات وحش گفت: نیروهای یگان حفاظت محیط‌زیست و محیط‌بانان آماده‌باش هستند تا به محض مشاهده پلنگ عملیات زنده‌گیری اجرا شود. غلامرضا ابدالی در پاسخ به این پرسش که آیا برنامه‌ای برای تعطیلی موقت بوستان سرخه‌حصار تا انجام عملیات زنده‌گیری پلنگ در دستور کار است جواب منفی داد و گفت: نیروها شبانه‌روزی در محل هستند تا خطری جان شهروندان را تهدید نکند.



راه‌اندازی سرویس مدارس معلولان

رئیس شورای اسلامی شهر تهران در جلسه علنی این شورا اشاره‌ای به وضعیت مناسب‌سازی شهر برای معلولان داشت و گفت: سرویس مدارس معلولان که مدتی تعطیل شده بود دوباره راه‌اندازی می‌شود. مهدی چمران به ضرورت نصب آسانسور در مترو هم اشاره کرد و گفت: ممکن است امکان نصب آسانسور در همه ایستگاه‌ها وجود نداشته باشد ولی در ایستگاه‌های بزرگ باید انجام شود. برای مثال ایستگاه تجریش ۸۰ متر عمق دارد و تردد در آن برای افراد عادی نیز تنها با آسانسور و پله برقی میسر است.



افتتاح ۶ مدرسه استثنایی

رئیس سازمان نوسازی، تجهیز و بازسازی مدارس درست زمانی که ۸ مدرسه ویژه دانش‌آموزان با نیازهای ویژه را از راه دور افتتاح می‌کرد خبر خوش دیگری هم داد و گفت: با کمک خیرین ۶ مدرسه استثنایی دیگر هم تا دهه فجر افتتاح می‌شود. حمیدرضا خان‌محمدی گفت: ما آماده‌ایم که در برنامه و خرید تجهیزات نگاه ویژه به این کودکان داشته باشیم، به همین منظور درخواست کردیم که سهم ما را از تجهیزات هنرستانی‌ها از ۲۰ به ۵۰ افزایش دهند. او اعلام کرد سازمان نوسازی مدارس این آمادگی را دارد که هر جا نیاز به مدرسه باشد، اولویت در مجموعه را به کودکان استثنایی اختصاص می‌دهیم و این کار را با قوت پیگیری می‌کنیم.

